



● درآمد

با چنان اشتیاق و شوری از سخن گفتن درباره مصدومین شیمیایی و دردهای آنان استقبال می‌کند که می‌پنداری خود یکی از آنان است، اما ایرانی می‌داند که همدلی و رأفت، بالاترین وجه مشترک انسانهاست و برای اینکه بدانی خواهر و برادر هموطن تو و نیز تمامی انسانهای عالم در چه آتشی می‌سوزند، لزوماً خود نباید در آتشی همسان سوخته باشی. کافی است سوختن شعله‌وار را بشناسی تا سخن آن مادر دردمند و آن پدر مقاوم و آن نونهال بیگناه را دریابی. شناساندن ابعاد این فاجعه و گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، دغدغه اوست و تمام توش و توان خود را صرف آن می‌کند. ضمن آنکه برای به سامان رسیدن این مجموعه، نهایت همکاری را با شاهد یاران کرد که جای تشکر و امتنان دارد.

«گفت و شنود شاهد یاران با مهدی فعال - معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی استان آذربایجان غربی»

باید نسبت به سلاحهای شیمیایی ایجاد حساسیت کرد...

را بررسی کنیم. آثار این فاجعه به شکل مردم مصدوم و جانباز شیمیایی کاملاً مشهود بود. همین طور شهدای گرانقدر این فاجعه که هر روز هم بر تعداد آنها افزوده می‌شد. من برای بررسی وضعیت بهداشتی و درمانی آنها رفتم. بودم. آیا در تماس با مصدومین و حادثه دیدگان هستید؟ وضعیت آنها چگونه است؟

اجازه دهید در این زمینه مسئولین بخش بهداشت و به ویژه کسانی که در نهاد مردمی انجمن حمایت از مصدومین شیمیایی سردشت فعالیت می‌کنند، توضیح بدهند. بنده سعی می‌کنم بیشتر در باره مسائلی که در حیطه وظایف من مربوط می‌شود، توضیح بدهم.

بفرمایید.
ما در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی قرار داریم و نیز بیستمین سالگرد فاجعه سردشت را برگزار می‌کنیم. هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران این است که این مراسم بهتر از سنوات گذشته و به شکل جامع تر، فراگیرتر و منسجم تر برگزار شود تا از این طریق به تجلیل از فرهنگ ایثار و شهادت بپردازیم و یاد و نام شهدای سردشت را گرامی بداریم و ابعاد این فاجعه را به ویژه در سطح بین المللی مطرح کنیم تا از این طریق حقانیت ملت مظلوم ایران را به اثبات برسانیم. آیا مراسم فقط در سردشت برگزار می‌شود.

خیر، مراسمی هم در مرکز استان و نیز در تهران برگزار می‌شود.

اهداف این مراسم کدامند؟

هدف اصلی و نخستین این مراسم، تجلیل از ایثارگران و ترویج فرهنگ شهادت و ایثار است. اهداف بعدی تذکر به سازمانهای بین المللی در تحدید و عدم کاربرد سلاحهای شیمیایی، تبیین آثار سوء و فاجعه بار به کارگیری این سلاحها بر انسانها محیط زیست و...

بمباران جان باخته و با در وضعیتی نزدیک به موت قرار دارند.

به هنگام بمباران کجا بودید و چه کردید؟

عرض کردم که در کمیته انقلاب اسلامی ارومیه بودم. فاصله ارومیه تا سردشت، چهار ساعت است. حضور فیزیکی در آنجا نداشتیم، اما جزئیات حادثه را با دقت به ما گزارش

ابتدا از خود، گذشته، تحصیلات و خانواده‌تان بگویید. من در سال ۱۳۴۷ در شهرستان ارومیه، در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشودم. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در همان شهر گذراندم و پس از اخذ دیپلم، در رشته مدیریت دولتی به تحصیل ادامه دادم. خدمت سربازی را در کمیته انقلاب اسلامی گذراندم و سپس توسط برادر شهیدم، سرتپ حاج رحیم فعال که در سانحه هوایی قزوین به همراه استاندار آنجا به شهادت رسید، به خیل خدمتگزاران بنیاد شهید پیوستم.

در چه سالی و چه عنوانی؟

در سال ۶۸، ابتدا وظایف گوناگونی را به عهده داشتیم که عمدتاً در بخشهای فرهنگی بود و آخرین بار مسئولیت اداره بنیاد شهید و امور ایثارگران ارومیه را به عهده داشتیم و سه سال هم هست که معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی استان هستم.

با مقوله سردشت و قربانیان آنجا چگونه آشنا شدید؟

شهرستان سردشت یکی از شهرهای مرزی و سوق الجیشی آذربایجان غربی است. این شهر هم مرز با کشور عراق است و در طول هشت سال دفاع مقدس، به کرات مورد تهاجم رژیم عراق قرار گرفت و بمباران شد، اما نقض آشکار قوانین جنگ و اوج سبعیت رژیم عراق در بمباران شیمیایی سال ۶۶ متجلی شد. من آن زمان در کمیته انقلاب اسلامی پاسدار بودم. ابعاد و عمق این فاجعه تا آن روز در نوع خود در جهان نظیر نداشت. سردشت بر خلاف تصور عامه که گمان می‌کنند حلبجه نخستین شهری بود که مورد بمباران شیمیایی قرار گرفته، قبل از آن قربانی این سلاح هولناک شد و تاکنون هم عوارض مهلکی را چه از لحاظ ابعاد انسانی و چه در بعد محیط زیست تحمل می‌کند. همین قدر بگویم که تا امروز بیش از هزار تن از مردم کرد مسلمان، در اثر این

شاید وفاداری کرد مسلمان
ایرانی به تمامیت ارضی یکی از
عللی بود که صدام می‌خواست
آن را بشکند و به نوعی، این
انسجام را خدشه دار کند.

می‌کردند و می‌دانستیم که چنین اتفاقی بی سابقه‌ای پیش آمده و تعداد بی شماری از هموطنان ما شهید شده و دیگران هم به طرز فجیعی مجروح شده‌اند. نخستین بار پس از این حادثه، چه زمانی به سردشت رفتید و چه دیدید؟
سه سال بعد به من مأموریت دادند که بروم و وضعیت آنجا



در دنیا است. شهرهای دیگری چون اشنویه، کرمانشاه، مریوان، گیلانغرب، سلمچه، آبادان و بسیاری دیگر هم در پی این شهر بمباران شیمیایی شدند. سردشت همیشه زیر بمباران بود.

چرا؟
هوایمهای رژیم عراق هنگامی که می خواستند اهداف تعیین شده‌ای چون پادگانهای شهرهای مختلف را بمباران کنند و موفق نمی شدند، هنگام بازگشت به عراق، چون باید بمبهای خود را تخلیه می کردند، در آخرین نقطه مرزی، سردشت و پیرانشهر را مورد اصابت قرار می دادند.

آیا تنها علت بمباران سردشت همین است؟
شاید وفاداری کرد مسلمان ایرانی به تمامیت ارضی یکی از عللی بود که صدام می خواست آن را بشکند و به نوعی، این انسجام را خدشه دار کند. استکبار جهانی با هدف شکست انقلاب اسلامی، تمام امکانات مورد نیاز رژیم بعث را در اختیارش می گذاشت و صدام با بهره گیری از پشتوانه استکبار، همه قوانین و مقررات بین المللی را زیر پا می گذاشت. مردم سردشت به رغم تمام فشارها و بمبارانها هرگز شهر را ترک نکردند و ماندند و در کنار رزمندگان جنگیدند و همه فشارها و تضيیقات را تحمل کردند. عمق فاجعه از نظر تعداد شهدا و مجروحین چقدر است؟
در همان روز اول آمار شهدا ۱۱۷ نفر بود و به تدریج در اثر عفونتهای پوستی و تنفسی و عوارض ناشی از بمباران، شهید شدند که در حال حاضر به حدود ۳۳۳ تن رسیده اند. تعداد مجروحین، آلهایی که در بنیاد پرونده دارند، حدود ۱۰۰۰ تن به بالا هستند و بقیه هم پرونده ندارند.

آیا مردم سردشت در مورد بمباران شیمیایی آموزش دیده بودند؟

کسی تصور نمی کرد سببیت رژیم صدام تا این حد باشد که مردم بی دفاع و غیرنظامی یک شهر را مورد تهاجم قرار دهد. نسل سوم انقلاب در حالی که در سنینی هستند که قاعدتا باید بالاترین سطح همدلی را با افراد دردمند داشته باشند، در عین حال آشنایی چندانی با تاریخ معاصر خود و به ویژه نقش شهدا و جانبازان ندارند. آیا برای آشنایی نوجوانان و جوانان با دردها و آلام مردم سردشت، برنامه ریزی شده؟ تا به حال چه اقداماتی صورت گرفته اند؟
حقیقتاً این کار برنامه ریزی دقیق و گسترده ای می خواهد. یکی از طرق آن برگزاری همین مراسم و کنگره هاست. ناچارم با شرمندگی با شما مخالفت کنم. برد این مراسم، اندک و در محدوده کسانی است که در آن شرکت می کنند. منظور من آشنایی حضوری و رودر روی مردم در سطوح مختلف سنی، به خصوص نسل سوم، با همسن و سالان سردشتی خود است. اولاً این نسل در کنگره حضور ندارد و گیریم که حضور داشته باشد، با شنیدن سخنرانی یا خواندن بروشور، نمی تواند واقعیتش را آن گونه که با حضور در میان مردم دردمند درک می کند، بفهمد.

پژوهشهای دقیقی هم صورت می گیرند و راهکارهای جدی و کار آمدی هم ارائه می شوند. در مرحله اجرا، چه تدابیری اندیشیده شده است؟

برای اجرای طرحهای پژوهشی، در بنیاد شهید و امور ایثارگران، بالخصوص حوزه تحقیقات و مطالعات، رویکردهای جدی در اعمال این پژوهشها در سطوح تصمیم گیری و اجرای تدابیر کاری و تنظیم برنامه ها و صدور فرامین به بخشهای مختلف وجود دارد. ایجاد زیر ساختها در سردشت و ارتقای روند ارتباطی و رفع مشکلاتی که در طی این پژوهشها مشخص می شوند، از جمله راهبردهای این بخش است.

آیا شما یا خانواده های مصدومین شیمیایی سردشت در ارتباط هستید؟

ارتباط ما با آنها غالباً در چهارچوب وظایف تعریف شده معاونت پژوهشی و فرهنگی بنیاد است. ما بیشتر در زمینه های فرهنگی و گردآوری آثار، عکسها و سایر مواردی که از شهدای عزیز باقی مانده و نیز انجام فعالیتهای فرهنگی در جهت حفظ این آثار، معرفی آنها به جامعه و امثالهم فعالیت می کنیم.
جنگ به خودی خود، تخریبهای فرهنگی را در سطوح مختلف موجب می گردد. فاجعه بمباران سردشت، به دلیل منحصر به فرد بودنش، قطعاً نتایج و عواقب تخریبی زیادی در زمینه فرهنگ داشته است. در این زمینه چه پژوهشهایی انجام شده و چه تدابیری به کار گرفته شده اند؟
می دانید که سردشت اولین شهر قربانی بمباران شیمیایی

تبیین این فاجعه در ابعاد بین المللی، هم ضروری است و هم تا حدی دیر شده است، اما در گفت و گوهایی که با ایثارگران صورت می گیرند، آنها بیش از هر جنبه دیگری، بر عوارض روانی ناشی از این فجایع که دامنگیر خود و خانواده هایشان شده است، تکیه می کنند. در این زمینه برای آنها چه کرده اید؟

اتفاقاً یکی از مواردی که به شدت بر آن تأکید داریم، بحث روانشناسی اجتماعی این افراد است. مسائل جانبازان شیمیایی، خانواده های آنها و نیز خانواده های معزز شهدا را باید از ابعاد مختلف مورد پژوهش قرار داد. خوشبختانه در سال جاری در حوزه معاونت پژوهشی تحقیقات خوبی در حال انجام است.

در ۲۰ سال گذشته چطور؟

بخشی از این تحقیقات در سایتهای اینترنتی مرتبط با فاجعه سردشت آمده است.

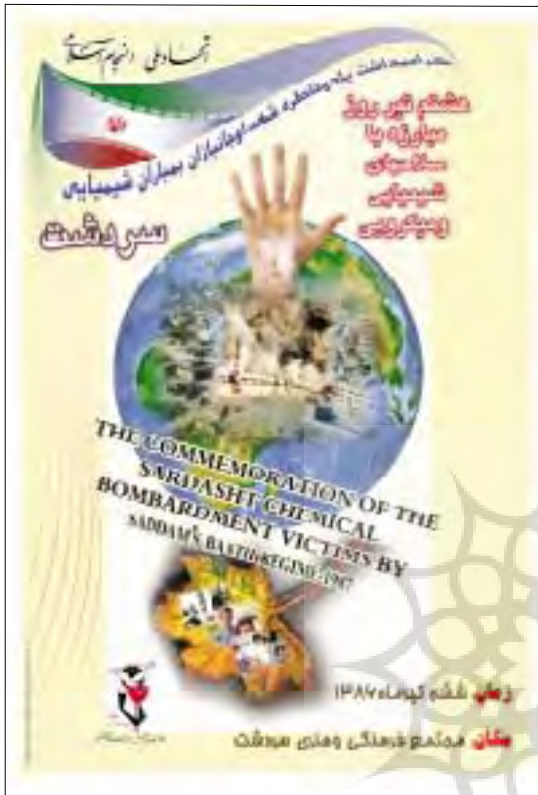
من مراجعه کردم، تحقیقات چندان ارزشمندی نبودند. بیشتر جنبه کلی داشتند.

البته باید در این زمینه سرمایه گذاریهای خوبی صورت بگیرند تا تحقیقات دقیق تر و جامع تری داشته باشیم، اما معاونت پژوهشی در حد توان و امکانات خود، تلاش کرده است و می کند.

فرض را بر این می گذاریم که در یک وضعیت مطلوب،

در روز اول آمار شهدا ۱۱۷ نفر بود و به تدریج هم در اثر عفونتهای پوستی و تنفسی و عوارض ناشی از بمباران، شهید شدند که در حال حاضر به حدود ۳۳۳ تن رسیده اند.





زیادی کرده است تا شبکه‌های ملی و هم شبکه‌های فرامرزی به شکل فعال شرکت کنند. مراسم ویژه‌ای از روز ۶ تیر در سردشت آغاز می‌شود و سه روز ادامه خواهد داشت. در روز ششم مراسمی با حضور مسئولین، در سالن مجتمع فرهنگی و هنری سردشت برگزار می‌شود و در حاشیه آن، نمایشگاه عکس هم وجود دارد. در این مراسم سخنرانی، نمایش و اجرای سرود خواهیم داشت. سعی ما این است که یکی از مقامات کشوری، به خصوص مقامات قضایی سخنرانی داشته باشند. کلیه‌هایی تهیه کرده‌ایم که در اختیار شبکه‌های استانی قرار داده‌ایم و بخش شبکه‌های کشوری را هم بنیاد شهید مرکز تلاش می‌کند. ما در استان خوشبختانه برنامه‌های صدای و سیمای مؤثری را تهیه کرده‌ایم. از جمله برنامه‌ای تلویزیونی را به نام راه شهادت تهیه کرده‌ایم که در این ایام به شهادت سردشت اختصاص دارد. در این برنامه‌ها مصاحبه با خانواده‌های شهدا صورت می‌گیرد. بخش رادیویی را هم فعال کرده‌ایم. در روز ششم سخنرانی‌هایی علمی در این زمینه صورت خواهند گرفت. آیا با آموزش و پرورش منطقه در جهت انجام پژوهش‌های میدانی توسط حداقل دانش‌آموزان دبیرستانی برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده است؟

پارسال فراخوانی داشتیم تحت عنوان «نامه‌ای به شهید» باور کنید بیش از دو هزار نامه به دست ما رسید که به اعتقاد ما، شروع خوبی است و می‌توان از این نقطه پژوهش‌های علمی، فرهنگی، روانی، اجتماعی بسیار بکری را انجام داد.

برنامه‌ریزی و فراخوان اسما را برای برگزاری یادمان سردشت مطرح کردیم که برای این فرهنگ سازها، دست کم یکی از کوچه پسکوچه‌های متنی به سفارتخانه‌هایی که در تجهیز صدام به سلاح شیمیایی نقش کلیدی داشتند، به نام سردشت نامگذاری کنیم. از ژاپن به سردشت آمدند و هنگامی که به کشورشان برگشتند، نام یکی از خیابان‌هایشان را سردشت گذاشتند. مادر تهران، یا شهرهای دیگر حتی همین کار را هم نکردیم. این حداقل کار برای آشناسازی مردم با این فاجعه است. اشاره کردید به سفارتخانه‌های درگیر با تجهیز رژیم بعث به سلاحهای شیمیایی. آیا به هنگام پذیرش مصدومین شیمیایی توسط این کشورها، پژوهش و مطالعات خاصی هم روی آنها انجام می‌شد؟

به هر حال مصدومین شیمیایی اعزامی، موارد پزشکی ویژه‌ای بودند و طبیعتاً آنها این فرصت را از دست نمی‌دادند. اما انصاف هم نیست که بگوییم کادر پزشکی آن کشورها صرفاً به

این دلیل بیماران را پذیرش می‌کردند. آنها معمولاً خدمات پزشکی بسیار بالایی را ارائه می‌دادند و این احتمال هم هست که در این رهگذر، از مصدومین به عنوان موارد پزشکی نادر هم بهره برده و مطالعاتی را روی آنها انجام داده باشند.

بسیاری از مصدومینی که با آنها گفتگو کرده‌ایم، در حد همین درد دل یکساعت هم قانع بودند. سؤال من این است. چرا نهادهای مردمی NGO هایی برای رسیدگی به آلام مصدومین ایجاد نمی‌شوند، چون همیشه ثابت شده ما فقط هنگامی پیروز میدان بوده‌ایم که مردم وارد عرصه شده‌اند. طبیعتاً قشر جوان ما هنوز حساسیت بالایی دارد و این مصدومین و خانواده‌های آنها دست کم به همدلی نیاز دارند. خوشبختانه در اینجا NGO فعالی به نام انجمن حمایت از مصدومین شیمیایی داریم که بسیار مؤثر است و حتی چند سال قبل توانست پرونده شکایت از یک تاجر فروشنده تجهیزات شیمیایی به عراق را در دادگاه لاهه پیگیری و او را محکوم کند. در بسیاری از زمینه‌های دیگر هم بسیار موفق بوده‌اند. بدیهی است که نهادهای مردمی به دلیل آشنایی با شرایط محیط و فرهنگ آنجا و هم‌زبانی و هم‌خونی با یکدیگر، خیلی پر شتاب‌تر و مؤثرتر عمل خواهند کرد.

آیا برنامه‌هایی برای پوشش‌های خبری گسترده برای این سالگرد انجام شده‌اند؟

ما شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی منطقه را هماهنگ کرده‌ایم و بنیاد شهید مرکز هم در این بخش تلاش

ما نباید به سالگردها بسنده کنیم، بلکه باید در تمام سال برنامه‌های ویژه‌ای را به طور مستمر و عمیق داشته باشیم. در این سالگردها باید عرصه‌های مختلف را بکاویم و برای سطوح گوناگون، پیام داشته باشیم. یکی از مواردی که ما خوشبختانه توانستیم برای این کنگره پیشنهاد کنیم این است که با توجه به تعداد زیاد دانش‌آموزان سراسر کشور، در متون درسی آنها مسئله بمباران شیمیایی از ابعاد مختلف مطرح و در ابعاد ملی و فراملی مطرح شود تا حساسیت لازم در آنها به وجود بیاید. چون آینده به دست آنهاست و این مسئله باید برای آنها تبیین شود. خوشبختانه این کار را در سطح دانشجویی هم انجام دادیم. بنیاد شاهد مرکز، تهیه فیلم داستانی ضیافت شوکران است و در ادامه همان، فیلمی از آن فیلم دو ساعته در حد یک ربع استخراج شده تا برای دانش‌آموزان و دانشجویان به نمایش در آید. به نظر می‌رسد که ما در مقطع دانش‌آموزی و دانشجویی باید به این گونه فعالیت‌های بیابوریم. در سطح عموم مردم هم باید از هنرهای تصویری و نمایشی استفاده کرد.

چرا به شیوه‌های کشورهای غربی در قبال بازماندگان جنگ و مصدومین، تقسیم مسئولیت نمی‌شود و دانش‌آموزان و دانشجویان در چهارچوب اردوهای

نهادهای مردمی به دلیل آشنایی با شرایط محیط و هم‌زبانی و هم‌خونی با یکدیگر، خیلی پرشتاب‌تر و مؤثرتر عمل خواهند کرد.

خدماتی، به شکلی مستقیم وارد عمل و اقدام نمی‌شوند؟ فکر نمی‌کنید به این شکل کارهای بنیادی‌تری صورت می‌گیرند و نتایجی بهتر به دست می‌آیند؟ آیا موزه آبرومند و تأثیرگذاری دارید که دانش‌آموزان را برای بازدید از آثار شهدای شیمیایی ببرید؟

بنیاد حفظ آثار موزه‌ای قدیمی را شروع کرده که البته حوزه ما هم آثار را گردآوری کرده که به آنها کمک خواهیم کرد. البته شیوه‌هایی را که شما مطرح می‌کنید باید فرهنگ‌سازی شود و این فرهنگ‌سازی هم باید توسط نخبگان صورت بگیرد. با درگیر کردن منطقی و برنامه‌ریزی شده نسل جوان خود، می‌توانیم به ارتقای روحیه همدلی، همکاری، عشق به هموطن و میهن و بسیاری از خصائل انسانی کمک کنیم و در عین حال چون خود مردم برای رفع آلام خود بسیج می‌شوند، خیلی زودتر به نتیجه برسیم. چه عواملی سبب می‌شوند که مردم به شیوه دوران جنگ، اجرای امور را به دست نمی‌گیرند و دائماً باید منتظر باشیم که مسئولان، آستین بالا بزنند؟

عرض کردم که باید خبررسانی و فرهنگ‌سازی مستمر و عمیقی صورت بگیرد. شما اشاره کردید به ژاپن و اینکه هنوز نسل جوان به شکل کاربردی درگیر مسئله‌ای است که دست کم سه چهارم نسل از آن می‌گذرد. مادر ستاد